



Fatemeh Rajaei

Assistant Prof. of
Jurisprudence and
Law Dep, Faculty of
Theology and Islamic
Studies, Hakim Sabzevari
University, Sabzevar,
Razavi Khorasan, Iran.
f.rajaei@hsu.ac.ir

Competency Effects of Commercial Companies in the Laws of Iran, Egypt and Lebanon

Abstract

A real person and a legal person have the same rights and duties and have the same Competency. Their difference is exceptional. The exception mentioned in the law is the inherent rights and duties of humans. However, there are examples such as right of pre-emption and executorship, which is a source of dispute due to the existence of companies' competence, and it is not possible to express an opinion whether it is specific to a natural person or a legal entity. Considering that these two legal institutions are related to the Competency, so this article first examines the Competency of the companies, then the position of these two legal institutions in relation to the companies. Since the comparative study between legal systems leads to a better understanding of their strengths and weaknesses, the present article, with a descriptive, comparative analytical method and in a library method, examines and adapted the works of commercial companies' Competency according to the commercial law of Iran, Egypt and Lebanon. Finally, according to the commercial law articles of these countries, it was concluded that commercial companies have the authority to accept probate in the law of Iran, Egypt and Lebanon, although it must be accepted by a representative from the company. Regarding the right of pre-emption, since the commercial law of Egypt and Lebanon is derived from the French commercial law on the one hand, and on the other hand, it is based on Sunni jurisprudence, and the conditions for the creation of the right of pre-emption are different between Sunnis and Shiites, they do not grant the right of pre-emption to companies. But partners are given such a right.

Keywords:

Competency, executorship, as right of pre-emption, Laws of Iran, Egypt and Lebanon

آثار اهلیت شرکت های تجاری در حقوق ایران، مصر و لبنان

چکیده

شخص حقیقی و حقوقی در حقوق و وظایف مانند یکدیگرند و دارای اهلیت هستند. تفاوت آنها جنبه‌ی استثنایی دارد. استثنایی که در قانون ذکر شده، حقوق و تکالیف ذاتی انسان است. با این حال مصادیقی مانند وصایت و اخذ به شفعه وجود دارد که با توجه به وجود اهلیت شرکت‌ها در عمل منشأ اختلاف است و نمی‌توان به صراحت اظهار نظر نمود که مخصوص شخص حقیقی است یا حقوقی؟ این مقاله با روش توصیفی، تحلیلی تطبیقی و به شیوه کتابخانه‌ای در ابتدا به بررسی اهلیت شرکت‌ها سپس به جایگاه این دو نهاد حقوقی در ارتباط با شرکت‌ها می‌پردازد. از آنجا که مطالعه تطبیقی بین نظام‌های حقوقی موجب شناخت بهتر نقاط قوت و ضعف آنها می‌شود، نوشتار حاضر اهلیت شرکت‌های تجاری و آثار را با توجه به قانون تجارت ایران، مصر و لبنان تطبیق داده است. در نهایت با توجه به مواد قانون تجارت این کشورها، این نتیجه به دست آمد که شرکت‌های تجاری در قانون ایران و مصر و لبنان صلاحیت پذیرش وصایت را دارند هرچند باید توسط نماینده‌ای از سوی شرکت قبول شود. درباره حق شفعه، از آنجا که قانون تجارت مصر و لبنان از یک سو برگرفته از قانون تجارت فرانسه و از سوی دیگر براساس فقه اهل سنت است و شرایط به وجود آمدن حق شفعه بین اهل سنت و شیعه متفاوت است ایشان به شرکت‌ها حق شفعه نمی‌دهند اما برای شرکا چنین حقی را قائلند.

واژگان کلیدی:

اهلیت، وصیت، شفعه، لبنان، مصر.

فاطمه رجایی

استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، خراسان رضوی، ایران.

f.rajaei@hsu.ac.ir

۱. مقدمه

بحث اهلیت در مباحث حقوق خصوصی، به‌ویژه حقوق قراردادها و تعهدات، مورد توجه بوده است. انجام دادن هر عمل حقوقی‌ای منوط به وجود اهلیت است. اهلیت در مفهوم عام خود، به معنای دارا بودن حق و تکلیف و در مفهوم خاص، توانایی اجرای حقوق و تکالیف است. اگر چه خاصاً در مورد حقوق مدنی در خصوص اشخاص حقیقی بکار رفته است، اما کاربرد آن در حوزه حقوق اداری و حقوق تجارت و در خصوص اشخاص حقوقی نیز چندان بیگانه نیست. اشخاص حقوقی همانند انسان‌ها می‌توانند موضوع حق و تکلیف واقع شوند. از این‌رو بحث از اهلیت اشخاص حقوقی و صلاحیت آنان در نظام‌های مختلف حقوقی از سال‌ها قبل مورد توجه بوده است. در این میان، خصوصیات شرکت‌های تجاری باعث شده این شرکت‌ها در بین اشخاص حقوقی جایگاه ویژه‌ای داشته باشد. لذا در خصوص اهلیت شرکت‌های تجاری مسائلی مطرح می‌شود از جمله اینکه: اهلیت اشخاص حقوقی از جمله شرکت‌های تجاری چگونه است؟ چه تفاوت‌هایی با اهلیت انسان‌ها دارد؟ آثار اهلیت آنان چیست؟ وصایت و أخذ به شفعه شرکت‌ها چگونه است؟ لذا ضرورت دارد در این خصوص تحقیق جامعی صورت پذیرد؛ تحقیق حاضر با هدف پاسخ به این مسائل از یک‌سو و از سوی دیگر از آنجا که مطالعه تطبیقی بین نظام‌های حقوقی موجب شناخت بهتر نقاط قوت و ضعف آنها می‌شود این مسائل را با قانون مدنی مصر و لبنان که متأثر از قوانین کشور فرانسه، سوئیس و آلمان و روزآمدتر هستند، تطبیق می‌دهد. در این‌باره مقالاتی مانند «اهلیت شرکت‌های تجاری و حدود اختیارات مدیران شرکت‌های تجاری» نوشته محمدرضا پاسبان و «اهلیت تجاری در حقوق ایران و فرانسه» نوشته عباس نیازی و سعید جوهر و اهلیت شرکت‌های تجاری نوشته «فاطمه رجایی» و پایان‌نامه‌ای با عنوان «اهلیت شرکت‌های تجاری» نوشته جواد حسین‌زاده علی‌آبادی موجود است اما در این مقاله به صورت خاص به موضوع اهلیت و وصایت و أخذ به شفعه پرداخته شده است ضمن اینکه با حقوق مصر و لبنان نیز تطبیق داده شده است. شیوه تحقیق در این نوشتار کتابخانه‌ای بوده و نوع آن توصیفی، تحلیلی و تطبیقی است. تبیین اهلیت شرکت‌های تجاری و گستره آن ریشه در شناخت ماهیت حقوقی شخص حقوقی دارد. لذا بر اساس مواد قانون تجارت ایران، مصر و لبنان ابتدا به بررسی شخصیت اشخاص حقوقی و ویژگی‌های آنان می‌پردازیم سپس آثار آن را بررسی خواهیم کرد.

۲. اهلیت و اشخاص

به منظور ورود به مباحث و نیز روشن شدن مسائل، ابتدا به بیان و تعریف مبادی تصویری تحقیق می‌پردازیم.

۲-۱. اهلیت

اهلیت در لغت به معنی صلاحیت، شایستگی و توانایی انجام امور است. در علم حقوق، دو معنای عام و خاص دارد (جرجس، ۱۹۹۶: ۷۴). معنای عام آن توانایی و شایستگی شخص برای دارا شدن و اجرای حق و معنای خاص آن توانایی و شایستگی شخص برای اجرای حق است که با داشتن عقل و بلوغ و رشد فراهم می‌آید (صفایی و قاسم‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۰). با توجه به تعریف، اهلیت دارای دو نوع است: نوع اول دارا شدن حق و تکلیف که آن را اهلیت تمتع، تملک (کاتوزیان، ۱۳۶۶: ۲، ۲۸۴) و استحقاق (جعفری لنگرودی، بی‌تا، ج ۱: ۳۵۴). نامیده‌اند. در مواد ۹۵۶ و ۹۵۸ قانون مدنی به آن اشاره شده است؛ نوع دوم: اهلیت اجرای حق و تکلیف که به اهلیت استیفا، تصرف (کاتوزیان، ۱۳۶۶: ۲، ۲۸۴) و اجرای حق (جعفری لنگرودی، بی‌تا، ج ۱: ۳۵۴).

بدیهی است تمامی افراد طبق ماده ۹۵۶ ق. م. دارای اهلیت تمتع هستند. کسانی که دارای اهلیت تمتع هستند لزوماً نمی‌توانند قابلیت اعمال و اجرای آنرا نیز داشته باشند. در بسیاری از موارد شخص صاحب‌حق، توانایی بدست گرفتن اجرای آن را ندارد، به‌عنوان نمونه، صغیر و مجنون اهلیت تمتع دارند ولی اهلیت استیفا ندارند (فاطمی، ۱۳۴۵: ۱۲ - ۱۳).

تعریف اهلیت و تقسیم‌بندی آن در کشورهای مصر (ابوالروس ۲۰۰۸: ۴۱) و لبنان (ناصیف، ۱۹۹۹: ۴۷)^۱ کاملاً شبیه حقوق ایران است؛ اهلیت تمتع به اهلیت وجوب و اهلیت استیفاء به اهلیت اداء معروف است.

۱- الاهلیة: قدرة الانسان على تحمل المسؤوليات والموجبات و اداء الحقوق و تكون على نوعين: اهلیة الوجوب و اهلیة اداء. اهلیة الوجوب أو اهلیة التمتع هي مقدرة الانسان على التمتع بالحقوق على اختلاف انواعها و الالتزام بالموجبات. اهلیة الأداء أو اهلیة اجرائية: ان بعض الاشخاص لا يحرمهم القانون من اهلیة التمتع بالحقوق ولكنه نظراً لعنصرهم أو لحالتهم العقلية و بغية حمايتهم يمنع عليهم حق ممارسة بعض الحقوق و التصرف بها فقط، فهم اهل للوجوب و غير اهل للاداء

۲-۲. شخص حقیقی و حقوقی

شخص موجودی دارای حق و تکلیف است و در زندگی حقوقی خود با اعمال حقوقی و انجام دادن تکالیف خود نقش ایفا می‌کند. شخصیت، از نظر حقوقی عبارت است از وصف و شایستگی شخص برای اینکه صاحب حق و تکلیف باشد. شخص یا حقیقی است یا حقوقی؛ شخص حقیقی، انسان است که با تولد دارای شخصیت شده و با مرگ آن راه، از نظر حقوقی، از دست می‌دهد. در ماده ۹۵۷ ق. م. به این قسم از شخصیت اشاره شده است. این قابلیت از طرف خداوند به اعتبار طبیعت انسانی در او به ودیعه گذاشته شده است (امامی، ۱۳۶۲، ج ۴: ۱۵۰ - ۱۵۱).

شخص حقوقی، موجودی است که برای نیل به اهداف خاصی توسط دسته‌ای از افراد که دارای منافع و فعالیت مشترک هستند یا پاره‌ای از اموال که به اهداف خاصی اختصاص داده شده، پدید می‌آید. قانون آن را طرف حق و تکلیف می‌شناسد و برای آن شخصیت مستقلی قائل می‌گردد (راشدی اشرفی، ۱۳۷۵: ۵۶) مثل دولت، شهرداری، دانشگاه، شرکت‌های تجاری و موقوفات و... (حسنی، ۱۳۷۸: ۷۰۶).

در حقوق مصر (رضوان، ۱۹۹۳: ۱۱۳)^۱ و لبنان (بوذیاب، ۲۰۰۳: ۲۲۴) نیز اشخاص حقوقی در کنار اشخاص طبیعی (حقیقی) شناخته شده، به نام شخص معنوی یا اعتباری معروف است (ناصیف، ۲۰۱۰: ۷۲). اشخاص حقوقی از گروه‌ها و مجموعه‌های انسانی که برای اهداف مشخصی گرد هم آمده، تشکیل شده است. اشخاص حقوقی دارای دو دسته عام مثل دولت و... خاص شرکت‌های تجاری و مؤسسات می‌باشد.^۲ (ناصیف، ۱۹۹۹: ۴۷).

۳. اقسام اشخاص حقوقی

اشخاص حقوقی به دو دسته عمده تقسیم می‌شود. دسته‌ای از اشخاص حقوقی که رسمیت یافتن آنها و بهره‌مندی‌شان از شخصیت حقوقی نیاز به ثبت ندارد. این دسته، اشخاص حقوقی عمومی هستند. به تصریح ماده ۱۷ قانون تشکیلات شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۱ کلیه مؤسسات دولتی و شوراهای محلی بدون نیاز به

۱- الشخص المعنوی اهلیة قانونیة لاكتساب الحقوق و تحمل الالتزامات.

۲- «الاشخاص المعنویون العامون هی الدولة و ... و الاشخاص المعنویون الخاصون الشركات التجارية، الجمعيات و المؤسسات الخاصة»

ثبت از شخصیت حقوقی برخوردارند (پاسبان، ۱۳۸۵: ۱۴). در ماده ۵۸۷ قانون تجارت^۱ به این مطلب اشاره شده است. دولت، مجلس شورای اسلامی، سازمان ثبت احوال کشور از این قبیل اشخاص هستند (ناصری، ۱۹۹۹: ۴۷). دسته‌ای دیگر از اشخاص حقوقی که به وجود آمدن آنها و بهره‌مندیشان از شخصیت حقوقی با رعایت قوانین ثبتی و مقررات خاص می‌باشد را در ذیل بیان می‌کنیم.

۱- شرکت‌های تجاری از گروهی از افراد تشکیل می‌شود که اموال یا خدماتی را به منظور یک فعالیت اقتصادی مشترک و تقسیم منافع بین خود در میان می‌گذارند، شرکت تجاری دارای اقسام متعددی است که در قانون تجارت پیش‌بینی شده است (بهشتیان، ۱۳۸۵: ۱۲؛ بوذیاب، ۲۰۰۳: ۲۲۰). طبق ماده ۵۸۳ ق.ت قانون ایران و ماده ۴۵ ق.ت لبنان و ماده ۵۲ قانون مدنی مصر کلیه شرکت‌های تجاری دارای شخصیت حقوقی هستند.

۲- مؤسسات غیر تجاری که از گروهی از افراد برای مقاصد غیر تجاری انتفاعی و یا غیرانتفاعی تشکیل شده‌اند. ماده آیین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیرتجاری مصوب ۱۳۳۷ در این زمینه می‌گوید: «مقصود از تشکیلات و مؤسسات غیرتجاری مذکور در ماده ۵۸۴ قانون تجارت کلیه تشکیلات و مؤسساتی است که برای مقاصد غیرتجاری از قبیل امور علمی یا ادبی یا امور خیریه و امثال آن تشکیل می‌شود اعم از آنکه تشکیل‌دهندگان قصد انتفاع داشته یا نداشته باشند». این دسته از اشخاص قبل از ثبت، هیچ‌گونه شخصیت حقوقی ندارند و هنگامی شخصیت پیدا می‌کنند که تشریفات ثبت آنها انجام شده باشد (صفایی و قاسم‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۵۶؛ بهشتیان، ۱۳۸۵: ۱۲؛ ناصر، ۱۹۹۹: ۴۷).

۳- اموالی که از جریان داد و ستد و معاملات خارج و به یک هدف نیک تخصیص داده شده‌اند دارای نوعی شخصیت حقوقی هستند. متولی یا سازمان اوقاف برای حفظ و اداره موقوفه و صرف منافع، بر طبق وقف‌نامه به نمایندگی از موقوفه اقدام خواهد کرد. اعمال حقوقی لازم را انجام خواهد داد. قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، مصوب ۱۳۶۲ برای هر موقوفه (اعم از عام و خاص) شخصیت حقوقی قائل است ماده ۳ این قانون مقرر می‌دارد: «هر موقوفه دارای شخصیت حقوقی است و متولی یا سازمان حسب مورد نماینده آن می‌باشد». (صفایی و قاسم‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۵۶)

۴- شرکت‌های مدنی در ایران دارای شخصیت حقوقی نیستند. در قانون قدیم مصر صراحتی درباره شخصیت حقوقی شرکت‌های مدنی وجود نداشته ولی در ماده ۵۲ قانون مدنی

۱- مؤسسات و تشکیلات دولتی و بلدی به محض ایجاد و بدون احتیاج به ثبت دارای شخصیت حقوقی می‌شوند.

جدید به شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری و مدنی تصریح شده است^۱ (ابوالروس ۲۰۰۸:۱۱۴۰). سنه‌وری می‌نویسد: «هیچ شکی وجود ندارد که در قانون مدنی جدید مصر شرکت مدنی نیز دارای شخصیت حقوقی است» (سنه‌وری، ۱۹۹۸: ۵، ۲۹۱). در حقوق لبنان با توجه به سکوت قانون اختلاف نظر وجود دارد. برخی براساس بند سوم ماده ۸۵۳^۲ و بند اول ۸۵۶^۳ قانون مدنی لبنان، شرکت مدنی را دارای شخصیت حقوقی نمی‌دانند. بنابراین اموالی که شرکاء برای شرکت می‌آورند، تبدیل به مال جدایی از اموال شرکاء نمی‌شود. برخی آن را دارای شخصیت مدنی می‌دانند. علی عصام غصن می‌نویسد: «آنچه موجب می‌شود شرکت‌های مدنی را دارای شخصیت حقوقی بدانیم این است که قانون‌گذار شرکت‌های مدنی را تحت فصل دوم از باب دوم قانون آورده که این فصل در بیان احکام مشترک شرکت‌های مدنی و تجاری است که یکی از این احکام وجود شخصیت حقوقی است» (عصام غصن، ۲۰۱۰:۱۳۰). شفیق خلف می‌نویسد: «برخی از مواد قانون الموجبات و العقود مثل مواد ۸۷۱، ۸۸۷، ۹۰۷، ۹۰۸ و ۹۲۸ صراحت دارد که ذمه شرکت مدنی مستقل از ذمه شرکا خود است که نتیجه آن شخصیت حقوقی شرکت مدنی است.» (خلف، ۱۹۹۲: ۲۱). علاوه بر این بند ۲ ماده ۹ قانون تجارت لبنان انواع شرکت را نام برده و تفاوتی بین اینکه موضوع شرکت تجاری یا مدنی باشد قائل نشده است. بنابراین هر شرکتی، حتی با موضوع مدنی، دارای شخصیت حقوقی می‌شود (بوذیاب، ۲۰۰۳: ۲۳۴) به نظر می‌رسد شخصیت حقوقی شرکت مدنی جایگاه خود را نزد علمای حقوق لبنان پیدا کرده است. علی عصام غصن می‌نویسد: «انسان قطع پیدا می‌کند قانون‌گذار لبنانی به شرکت‌های مدنی شخصیت حقوقی داده است» (عصام غصن، ۲۰۱۰: ۱۳۱)

۴. اهلیت شخص حقوقی

شخصیت حقوقی با اعتبار قانونگذار به وجود می‌آید. لذا دارای حقوق و وظایف است. به عنوان نمونه می‌تواند دارای مال باشد، قراردادهای حقوقی ببندد، عهده‌دار مسئولیت گردد، می‌تواند دیگری را تحت پیگرد قرار دهد یا خود تحت تعقیب قرار گیرد. شخصیت حقوقی نمی‌تواند واجد وجدان و احساسات باشد. نمی‌تواند متحمل

۱- «الأشخاص الاعتبارية هي... الشركات التجارية والمدنية...»

۲- «يكون رأس مال الشركة ملكاً مشتركاً بين الشركاء لكل منهم حصه شائعة فيه على نسبة ما قدمه من رأس المال»

۳- «كل شريك مديون لساكن الشركة جميع ما وعد بتقديمه للشركة»

کیفرهای آگاه‌کننده یا برخی از اعمال حقوقی همچون ازدواج یا اعمال مجرمانه‌ای همچون قتل شود (صفار، ۱۳۷۳: ۳۵۹).

در حقوق مصر و لبنان نیز شخص حقوقی پس از دارا شدن شخصیت حقوقی (معنوی) تشابهاتی با شخص طبیعی از جهت داشتن اسم، اقامتگاه تابعیت و اهلیت پیدا می‌کند^۱ (رضوان، ۱۹۹۳: ۱۱۳؛ عصام غصن، ۲۰۱۰: ۱۲۸؛ ناصیف، ۲۰۱۰: ۹۳). شخص حقوقی می‌تواند دارای تمامی حقوق و تکالیف به استثنای آنچه مخصوص انسان است شود؛ حقوق وی با آنچه در اساسنامه تعیین شده یا قانون مقرر کرده محدود می‌شود^۲ (سنهوری، ۱۹۹۸: ۵، ۱۹۲) در ماده ۵۳ قانون مدنی مصر به آن تصریح شده است.^۳

تردیدی نیست که شخص حقوقی دارای شخصیت حقوقی است. بنابراین باید اهلیت لازم را برای دارا شدن و استیفای حق و تکلیف داشته باشد زیرا شخص بدون اهلیت، موجودی است که نمی‌تواند طرف حق و تکلیف واقع شود (عیسائی تفرشی، ۱۳۷۸: ۱، ۷۰). شرکت‌های تجاری از مصادیق شخص حقوقی به شمار می‌رود بنابراین در این نوشتار گستره توانایی آنها را برای دارا شدن و اجرای حق بررسی خواهیم کرد.

۵. بنیان اهلیت شرکتهای تجاری

بنیای اهلیت شرکت‌ها بر اساس دیدگاهی که نسبت به شخصیت حقوقی شرکت‌ها وجود دارد معین می‌گردد. نظرات گوناگونی درباره شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری وجود دارد. امروزه در بین نظریات، نظریه نفی شخصیت حقوقی در حقوق این کشورها طرفداری ندارد (الحیدری، ۲۰۱۰: ۲۵۲). اما نظریه واقعی یا فرضی بودن بیشتر مورد پذیرش است (طباطبائی مؤتمنی، ۱۳۷۳: ۲۸۰؛ اعظمی زنگنه، ۱۳۴۶: ۶۶). برخی، آن را یک نهاد واقعی دانسته‌اند (نک: صفایی و قاسم‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۴۹؛ عیسائی تفرشی، ۱۳۷۸: ۷۰) که در صورت نیاز به وجود می‌آید. شخص حقوقی دارای واقعیتی خارج از اراده قانون‌گذار است و کلیه حقوقی را که برای تأمین منافع گروهی لازم است به وی اعطا می‌شود. برخی دیگر معتقدند گروه‌ها از اعضای خود

۱- الشخص المعنوی اهلیه قانونیه لاکتساب الحقوق و تحمل الالتزامات.

۲- «اهلیة فی الحدود آتی یعنیها سند انشائه أو آتی یقرها القانون»

۳- «الشخص الاعتباری یتمتع بجمیع الحقوق الا ما کان منها ملازماً لصفة الانسان الطبيعية و ذلک فی الحدود آتی قدرها القانون...»

جدا نیستند و اشخاص مستقلاً را تشکیل نمی‌دهند. شخص حقوقی فرضی است و با دخالت و اراده دولت ایجاد می‌شود. دولت تا حدی که مصلحت می‌داند شخص حقوقی را صاحب حق می‌شناسد (کاتبی، ۱۳۷۲: ۱۳۶؛ اسکینی، ۱۳۷۵: ۱: ۳۸).

هیچ یک از این نظریات بطور قطعی پذیرفته نشده است، چنانکه اغلب علمای حقوق در چگونگی به وجود آمدن شخص حقوقی نظریه فرضی بودن و درباره اهلیت آن از نظریه واقعی بودن شخص حقوقی پیروی کرده‌اند. به نظر می‌رسد نظریه واقعی بودن شخص حقوقی قابل قبول است.^۱ بنابراین اراده مؤسسان یا شرکا شرکت، اساس اهلیت و گستره آن را مشخص می‌کند. طبق ماده ۵۸۸ ق.ت. اصل بر اهلیت است (کاتوزیان، ۱۳۶۶: ۱۰) و این نتیجه واقعی بودن شخص حقوقی است. قانون ایران با گسترش وجود و فعالیت اشخاص حقوقی و آزادی نسبی آنان سازگاری دارد. ماده ۱۷ ل.ا.ق.ت.، ۵۸۳، ۱۹۵، ۲۲۰، ۱۵۰ ق.ت. مقرر می‌دارد که شرکت‌ها قبل از ثبت واجد شخصیت حقوقی‌اند (عیسائی تفرشی، ۱۳۷۸: ۱، ۷۰). قائلان به نظریه فرضی از نتایج طبیعی این نظریه عدول کرده‌اند، نه تنها اهلیت را اصل می‌دانند بلکه ثبت شرکت‌ها را لازمه ایجاد و اعطای شخصیت حقوقی می‌دانند (کاتبی، ۱۳۷۲: ۱۵۹؛ اسکینی، ۱۳۷۵: ۱: ۵۲).

بنا بر نظر اکثر علمای حقوق مصر و لبنان وجود واقعی شرکت‌ها اساس به وجود آمدن شخصیت حقوقی است. ماده ۵۰۶ قانون مدنی مصر بنا را بر اهلیت شرکت‌ها گذارده است (الزینی، ۱۹۴۵ م: ۱۶۲)^۲ به نظر می‌رسد با توجه به اینکه قانون لبنان به شرکتی که هنوز در مرجع ثبت شرکت‌ها ثبت نشده است، شخصیت حقوقی می‌دهد، نظریه وجود واقعی آن را پذیرفته است (الحیدری، ۲۰۱۰: ۲۵۲).

۶. اقسام اهلیت شرکت‌های تجاری

چنانکه ذکر شد اهلیت دو قسم است. آیا این دو قسم اهلیت را می‌توان درباره شرکت‌های تجاری تصور نمود؟

۱- برای دیدن نظر مخالف رجوع کنید به: حسینقلی کاتبی، حقوق تجارت، چاپ ۶، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۲، اسکینی، ربیعا، تهران، سمت، ۱۳۷۵، ج ۱: ۳۸.

۲- و ان کانت الآراء قد تضاربت زمناً فی مفهوم الشخصیه المعنویه فمنهم من اعتبر ان شخصیه المعنویه وجوداً حقیقاً و منهم من اعتبر ان الشخصیه المعنوی هی وجود وهمی أو فرضی. سنهوری، ۱۹۹۸، ج ۵، ص ۱۹۲

۱-۶. اهلیت تمتع

شرکت‌ها در قانون ایران به استناد ماده ۵۸۸ ق.ت. دارای اهلیت عام است. شرکت نسبت به موارد ذاتی انسان فاقد اهلیت است. اهلیت فقط با مواردی که سهام‌داران یا شرکا در اساسنامه یا قرارداد یا قانون تعیین کرده شده باشد، محدود می‌شود. اختلافی در مصر (نک: عطوی، ۱۹۸۶: ۴۳۶) و لبنان (نک: ناصیف، ۲۰۰۳: ۲۹۳)، درباره اهلیت تمتع شرکت‌ها، دیده نمی‌شود. لذا شرکت تجاری می‌تواند دارای حقوق و تکالیف به جز آنچه مخصوص انسان است، شود. علاوه بر این شرکت دارای ذمه مالی مستقل است.^۱ تفاوتی بین معاوضات و تبرعات وجود ندارد. در حدود مقررات، مالی را هبه کند یا هبه را در صورتی که با اهداف و موضوع شرکت مغایرت نداشته باشد، بپذیرد.

۲-۶. اهلیت استیفاء

دارا شدن اهلیت استیفاء منوط به استعداد طبیعی جسمی و روحی است. برخی از انسان‌ها مانند مجبورین دارای این اهلیت نیستند بنابراین ولی، وکیل، وصی یا حاکم شرع از طرف او حقوق وی را اجرا می‌کند. شرکت‌ها فاقد وجود مادی و اراده‌اند. نمی‌توانند مستقیماً حقوق خود را اجرا کنند ولی می‌توان آنها را در زمره صغیر، سفیه یا مجنون قرار داد. درباره اهلیت استیفاء شرکت‌ها بین علمای حقوق در ایران، مصر و لبنان نظرات گوناگونی وجود دارد. برخی آنها را دارای اهلیت استیفاء نمی‌دانند (شایگان، ۱۳۷۵: ۵۷؛ ناصیف، ۲۰۰۳: ۲۹۵). برخی معتقدند اهلیت استیفاء در گستره موضوع شرکت است. اختلاف بین علما به دلیل اختلافی است که درباره رابطه شرکت با ارکان اداره آن وجود دارد.

۷. رابطه حقوقی مدیران با شرکت

رابطه حقوقی شرکت با مدیران را می‌توان به دو صورت تصور کرد: ۱- شرکت و مدیران دو شخصیت جدا و رابطه بین آنها نمایندگی باشد. ۲- مدیران شرکت یکی از ارکان شرکت بوده، تصمیماتی که می‌گیرند بالاصاله و به عنوان شرکت باشد. نظریات ابراز شده در این زمینه را بررسی می‌کنیم.

۱- «یحق لها ان تبرم العقود من بیع و شراء و ایجار و اقراض و رهن کما یحق لها التبرع و قبول التبرعات»

۱-۷. نظریه وکالت

این نظریه به نظریه نمایندگی قراردادی نیز معروف است. مدیران شرکت وکیل شرکت هستند (عراقی، ۱۳۴۰: ۲، ۱۲۶) و از جانب شرکت تصمیم‌گیری می‌کنند. سنه‌وری معتقد است رابطه مدیران با شرکت بر اساس ماده ۵۳ قانون مدنی مصر^۱ وکالت است (سنه‌وری، ۱۹۹۸: ۵، ۲۹۲). در لبنان نیز این نظریه طرفدار دارد^۲ (ناصری، ۲۰۰۳: ۲۹۵).

نقد وارده به این نظریه این است که شرکت به عنوان موکل فاقد اراده مستقل است. نمی‌تواند برای خود تصمیم بگیرد و حقوق و تکالیف خود را اجرا کند (عفیف، ۱۹۹۷: ۳۳۹). وکالت مستلزم وجود و اراده موکل و وکیل است، در حالی که در مورد شخص حقوقی فقط یک اراده وجود دارد آن هم اراده اشخاص طبیعی است که به نمایندگی شخص حقوقی عمل کنند (عیسای تفرشی، ۱۳۸۲: ۲، ۱۱۸).

۲-۷. نظریه نمایندگی قانونی

این نظریه، شخص حقوقی را مانند محجورین و فاقد اهلیت استیفا می‌داند. بر اساس این نظریه مدیران شرکت، نمایندگان قانونی آن هستند (ناصری، ۲۰۰۳، ص ۲۹۵) و این نمایندگان (مدیران)، حقوق شرکت را اجرا می‌کنند. این نظریه هم خالی از اشکال نیست. زیرا مدیران شخص حقوقی، وضعیتی متفاوت با وضعیت ولی یا قیم محجور دارند (عیسای تفرشی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۱۸).

۳-۷. نظریه رکن بودن

طبق این نظریه مدیران شرکت، یکی از ارکان شرکت هستند. در واقع جزء شخص حقوقی و ساختار شرکت هستند. تصمیمات مدیران بالاصالة و به منزله اراده و تصرف شرکت است و شرکت محجور نیست (عیسای تفرشی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۲۵). اکثر علمای حقوق مصر و لبنان نظریه نمایندگی قراردادی (وکالت) را پذیرفته‌اند. چنانکه ذکر شد سنه‌وری به آن تصریح می‌کند (سنه‌وری، ۱۹۹۸: ۵، ۲۹۲). به نظر می‌رسد با توجه به ایراداتی که نظریه وکالت دارد، نظریه رکن بودن مدیران در حقوق مصر و لبنان، مانند ایران، جایگاه خود را یافته است. احمد ابو الروس می‌نویسد: «هر چند

۱- ... و یكون له نائب يعبر عن ارادته.

۲- «قد اعتبر البعض ان المديرين هم بمثابة وكلاء عن الشركة».

در ماده ۵۳ قانون مدنی تصریح شده که شخص حقوقی دارای نماینده‌ای است که امور وی را اداره می‌کند اما مدیر شرکت نماینده و وکیل نیست بلکه به عنوان رکن امور را پیگیری می‌کند» (ابو الروس، ۲۰۰۸: ۴۲). این نظریه، شرکت را دارای اهلیت استیفا دانسته که حقوق خود را اجرا می‌کند، مگر اینکه به موجب قانون؛ اهلیت تصرف او محدود شده باشد مانند ورشکستگی شرکت که یک نوع حجر برای او پدید می‌آورد (خردمندی، ۱۳۸۲: ۱۳۵).

نتیجه عملی رکن بودن مدیران در مسؤولیت مدنی شرکت آشکار می‌شود. شخص حقوقی مانند شخص حقیقی مسؤول زیان‌هایی است که به وسیله تشکیلات و اقدام‌های تصمیم‌گیرنده خود به دیگران وارد می‌کند. در اکثر موارد تقصیر مدیران، تقصیر شخص حقوقی محسوب می‌شود.

۸. گستره اهلیت شرکت‌های تجاری

شخص حقوقی از نوع شرکت‌ها را دارای اهلیت دانستیم. اما از آنجا که دو اثر مهم چالشی اهلیت، وصایت و أخذ به شفعه است لذا به دلیل اهمیت این دو اثر این پرسش مطرح است که آیا با وجود دارا بودن اهلیت، شرکت‌ها می‌توانند وصایت را قبول کنند یا دارای حق شفعه شوند؟ در ادامه به بررسی این مسئله می‌پردازیم.

۸-۱. وصایت

وصیت کردن طبق ماده ۸۶۰ ق.م. و منطوق ماده ۵۸۸ ق.ت. قانون ایران ذاتاً از ویژگی‌های شخص حقیقی است. در ماده ۹۱۵ قانون مدنی مصر احکام و شرایط وصیت بیان شده است. در مواد قانون لبنان نیز وصیت از احوال شخصیه محسوب می‌شود (المحصانی، ۱۳۹۱: ۱۵۳). با توجه به اینکه موصی شدن مستلزم تصرف در حقوق دیگران است. چنین صلاحیتی هرگز به شرکت‌های تجاری اعطا نشده است. بدیهی است که منظور از وصایت شرکت‌های تجاری، موصی بودن آنها نیست بلکه وصی واقع شدن در وصیت عهدی است. تحقق وصایت با قبول و اجرای آن همراه است. بنابراین پرسش قابل طرح این است که با توجه به اهلیتی که شرکت دارد آیا می‌تواند وصی شود؟ مواد ۸۲۶ و ۸۵۴ تا ۸۶۰ ق.م. ایران و مقررات امور حسبی، همچنین مواد قانونی مصر و لبنان درباره وصی شدن شخص حقیقی است و دلالتی بیشتر از آن ندارد. اما درباره صلاحیت وصایت شرکت، نظریاتی ابراز شده است:

- ۱- شرکت فقط وصایت بر اموال را می‌تواند برعهده بگیرد زیرا هدف شرکت‌ها کسب سود است.
- ۲- قبول وصایت یا عدم آن بر اساس اساسنامه یا آیین‌نامه شرکت باشد (عمید، ۱۳۴۲: ۱۴۸). طبق ماده ۱۲۸۸ ق.م.؛ قانون اوقاف مصوب ۱۳۵۴ و وحدت ملاک ماده ۱۱۰ ل. ا. ق. ت. مربوط به صلاحیت شرکت‌ها برای تصدی امر بازرسی و نظارت؛ صلاحیت وصایت شرکت مسلم است. (کاتوزیان، ۱۳۶۸: ۴۹۸)
- ۳- با توجه به اینکه لزومی ندارد موضوع شرکت‌های سهامی تجاری باشد، وصایت شرکت سهامی مشکلی ندارد.
به نظر می‌رسد با توجه به مفاد ماده ۵۸۸ ق.ت. که اصل بر صلاحیت عام اشخاص حقوقی است و عدم منع صریح در اساسنامه، شرکت‌ها می‌توانند وصایت را بپذیرند (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۰: ۳۱۶). در حقوق لبنان و مصر درباره وصایت شرکت‌ها تصریحی وجود ندارد اما از آنجا که این کشورها نیز شرکت‌ها را برای تصدی امر بازرسی و نظارت صالح می‌دانند، می‌توان صلاحیت آنان را برای وصایت پذیرفت (ابو الروس، ۲۰۰۸: ۴۲؛ بوذیاب، ۲۰۰۳: ۲۳۴). در ذیل برخی از ادله مخالفین پذیرش وصایت توسط شرکت و نقد آن را بیان می‌کنیم.

۲-۸. ادله مخالفین و نقد آن

- ۱- وصی باید دوام نسبی داشته درحالی‌که شرکت ذی ثبات نیست و منحل می‌شود. در نقد این دلیل گفته شده دوام شخص حقوقی بیشتر از حقیقی است. برخی شرکت‌ها صدها سال باقی می‌مانند اما افراد می‌میرند. وصایت شخص حقوقی بر حقیقی ارجح دانسته شده و دوام شخص حقوقی به عنوان نیاز اجتماعی غیرقابل انکار است (کاتوزیان، ۱۳۶۸: ۳۹۸).
- ۲- انجام وصیت احتیاج به رابطه عاطفی دارد و از عهده شخص حقوقی خارج است. در ماده ۵۸۹ ق.ت. مقرر شده شخص حقوقی اراده خود را از طریق نمایندگان اعمال کند، بنابراین می‌تواند رابطه عاطفی داشته باشد.
- ۳- احراز برخی شرایط وصی مثل بلوغ، عقل، عدالت و اسلام، مانع وصایت شرکت‌های تجاری است. این شرایط به علت حسن اجرا در نظر گرفته شده بنابراین می‌توان در نماینده‌ای که از سوی شخص حقوقی انجام وظیفه می‌کند درنظر گرفت.

۳-۸. چگونگی قبول یا رد وصایت

در فقه شیعه بین قبول یا رد وصایت بعد از فوت موصی اختلاف است. قانون‌گذار نظر مشهور امامیه را پذیرفته است. لذا طبق ماده ۸۳۴ ق.م. ایران، اگر وصی در زمان حیات موصی وصایت را رد نکرده باشد پس از فوت وی، اگر چه جاهل بر وصایت بوده، حق ندارد آن را رد کند. در حقوق مصر (نک: سنهوری، ۱۹۹۸: ۹، ۲۰۳) و لبنان (نک: المحصانی، ۱۳۹۱: ۱۵۸) نیز بین علما در قبول یا رد وصایت اختلاف است. اما بنابر نظر مشهور که براساس فقه حنفی است وصایت را ایقاع می‌دانند هر چند در برخی از آرا صادره در دادگاه‌ها عقد هم شمرده شده است (ابراهیم بک و علاء الدین احمد، ۱۹۹۹: ۸۴۰). حال پرسشی که مطرح می‌شود این است آیا این مسئله شامل شرکت‌ها هم می‌شود یا مخصوص اشخاص حقیقی است؟

در حقوق ایران برخی با توجه به امکان وصی شدن شرکت، حکم ماده ۸۳۴ شامل آنها دانسته و رد وصایت پس از فوت وصی را غیر ممکن می‌دانند (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۰: ۳۱۷). برخی مفاد ماده ۸۳۴ درباره شرکت‌ها را قابل تردید دانسته‌اند. برخی معتقدند حکم ماده ۸۳۴ ق.م. برخلاف اصل حاکمیت اراده بوده و باید به قدر متیقن آن که اشخاص حقیقی است اکتفا شود (محقق داماد، ۱۳۶۸: ۲۵۰). به نظر می‌رسد براساس آرای جدید مصر و لبنان و حقوق ایران، اجرای این ماده نسبت به شرکت‌های تجاری و الزام آنان به انجام دادن مفاد وصیت بعضاً سخت و دشوار است. لذا وصایت شرکت‌های تجاری عقد است، نه ایقاع. بنابراین در صورتی موظف به اجرای امور مندرج در وصیت‌نامه است که به صراحت وصیت را قبول کرده باشند.

۹. أخذ به شفعه

حق شفعه در تمامی قوانین کشورهای اسلامی به جز کشور سوریه براساس فقه اسلامی پیش‌بینی شده است (محقق داماد، ۱۳۸۴: ۴). شفعه در فقه شیعه^۱ (نک: شهید اول (مکی)، ۱۹۹۱: ۱۴۹) ماده ۸۰۸ ق.م. ایران، در ماده ۹۳۵ قانون مصر^۲ و در ماده ۲۳۸ قانون مدنی لبنان^۳ بیان شده است. هر چند در برخی موارد مانند عنوان

۱- «الشفعة هی استحقاق شریک الحصة المبیعه من شرکت»

۲- الشفعة رخصة تجيز فی بيع العقار الحلول محل المشتري بما تام علیه من الثمن و النفقات المعتاده.

۳- الشفعة حق تجيز لصاحبه ان ينتزع العقار المبیع من المشتري.

«استرداد الحصة الشائعة» تفاوت‌هایی در قانون مصر و برخی از کشورهای اسلامی وجود دارد، ولی در مجموع یک تعریف از شفعه مد نظر تمامی آنهاست. در تمامی این قوانین شفعه یکی از حقوقی است که به شخص حقیقی داده می‌شود. حال بحث این است که آیا تصور این حق برای شرکت‌ها امکان دارد؟ اگر شرکت تجاری، مالک مشاع قسمتی از یک مال غیر منقول باشد و تنها شریک او حصه خود را به شخص ثالثی بفروشد، آیا شرکت تجاری حق دارد همانند اشخاص حقیقی قیمت پرداخت‌شده را به مشتری بدهد و حصه فروخته‌شده را تملک کند؟

پاسخ صریح در مواد قانونی مطرح نشده است. براساس قانون ایران برخی با تنقیح مناط ماده ۸۱۱ ق.م. که حق شفعه را برای متولی وقف و موقوف علیهم منتفی دانسته، حق شفعه سایر اشخاص حقوقی را نیز منتفی می‌دانند. برخی با توجه به ماده ۵۸۸ ق.ت. و اصل مستنبط از آن که شرکت‌ها را دارای اهلیت عام می‌داند معتقدند شرکت‌ها از حق شفعه که یک حق مادی است برخوردار شوند. به نظر می‌رسد شرکت‌ها می‌توانند دارای حق شفعه شوند لذا برخی از ادله مخالفین را ذکر و نقد می‌کنیم.

۱- حق شفعه برخلاف اصول اولیه، مانند قاعده تسلیط است. قدر متیقن آن اشخاص حقیقی است و به آن اکتفا می‌شود. اشکال وارد به این دلیل این است که هرگاه دلیلی که حکم خلاف اصل را ثابت می‌کند اطلاق داشته، می‌توان اطلاق آن را بر عموم اصل و قاعده اولیه مقدم کرد. بنابراین استناد به قواعد اولیه و اصولی چون تسلیط در برابر اطلاق شفعه جایگاهی ندارد. موضوع حکم شفعه، در اطلاق روایات، شریک است. اطلاق شریک به شرکت‌های تجاری صحیح است.

۲- علت حکم ماده ۸۱۱ ق.م مبنی بر انتفای حق شفعه در وقف، تعدد موقوف علیهم بوده است. این وضع دقیقاً در شرکت‌های تجاری نیز وجود دارد. شرکت‌های تجاری نیز مانند وقف حق شفعه ندارند (صفا، ۱۳۷۳: ۴۳۱). در پاسخ به این اشکال می‌توان گفت دلیل عدم حق شفعه در وقف معلوم نیست. شاید دلیل آن مالک نبودن متولی یا موقوف علیهم باشد. قانون مدنی به پیروی از بسیاری فقهای امامیه در ملکی که قسمتی از آن وقف و قسمت دیگر طلق است در صورتی که بر اساس وقف یا مجوز قانونی مثل خرابی یا تنازع، ملک به فروش برسد، برای حالت طلق، حق شفعه قائل است. در حالی که همان ملاک و جهات منع وجود شفعه برای ارباب وقف عیناً می‌تواند مانع وجود

حق شفعه برای ملک طلق باشد، زیرا همان دلایلی که مانع به وجود آمدن حق شفعه برای وقف می‌گردد (مالک یا واجد نبودن ارباب وقف) برای طرف مقابل (مالک طلق) نیز مانع حق مزبور است.

قانون مدنی وقف را به اعتبار شخصیت وقف، یک شریک می‌داند نه اینکه به اعتبار تعدد موقوف علیهم، شرکای متعدد حساب کند. از این رو مالک طلق در صورت فروش حصه موقوفه، حق شفعه دارد. این استنباط از بیان «اگر حصه یکی از دو شریک وقف باشد» در ماده ۸۱۸ کاملاً واضح و غیر قابل خدشه است (محقق داماد، ۱۳۸۴: ۸۷). بنابراین می‌توان از ماده ۸۱۱ تنقیح مناط درباره حق شفعه شرکت‌های تجاری گرفت و گفت شرکت‌ها حق شفعه ندارند.

۳- شرکت‌های تجاری سهام‌داران متعدد داشته و مال غیر منقول متعلق به همه آنان است. صاحبان سهام مالکین حقیقی هستند و به خاطر تعدد نمی‌تواند مورد حق شفعه باشد.

ایراد وارده این است که شرکت‌های تجاری دارای یک شخصیت مستقل از سهامداران خود هستند. وجودی واقعی که قانونگذار آن را به رسمیت شناخته و برای آن اهلیتی عام قائل شده است. بدیهی است حق شفعه شرکت زمانی منتفی است که واجد شخصیت حقوقی مستقل نبوده و اموال شرکت همچنان در ملک سهام‌داران باقی باشد.

هرچند مطابق قانون ایران، شرکت‌ها را دارای حق شفعه دانستیم ولی شرایط حق شفعه در قانون مصر و لبنان متفاوت با قانون ایران است زیرا قانون تجارت مصر و لبنان از یک سو برگرفته از قانون تجارت فرانسه و از سوی دیگر براساس فقه اهل سنت است و شرایط به وجود آمدن حق شفعه بین اهل سنت و شیعه متفاوت است. لذا بر اساس تعریف و شرایط اخذ شفعه در این قوانین که به اموال منقول هم تسری می‌یابد مخصوصاً آنچه در ماده ۸۳۸ قانون الموجبات و العقود لبنان ذکر شده است شرکت‌ها دارای حق شفعه نمی‌شوند اما شرکا می‌توانند دارای چنین حقی شوند. (صالح بک، ۱۹۴۹، ۳۲)

۱- اذا باع احد الشركاء حصته الشائعه من شخص الآخر فليس اثر الشركاء ان يتدعوا بحق الشفعه وفاقا لاحكام القانونيه المختصه بها

نتیجه

در حقوق ایران شخصیت حقوقی خاص شرکت‌های تجاری است که براساس قانون تجارت تشکیل می‌شوند و شرکت‌های مدنی دارای چنین شخصیتی نیستند. در مصر و لبنان شرکت مدنی نیز علاوه بر شرکت‌های تجاری دارای شخصیت حقوقی است. در این دو کشور واژه اهلیت به صراحت درباره شرکت‌ها به کار رفته است. از یک سو قانون‌گذار این کشورها شرکت‌های تجاری را دارای اهلیت می‌داند و از سوی دیگر با توجه به این که رابطه مدیران با شرکت رکن بودن دانسته شد، شرکت‌های تجاری دارای اهلیت استیفا هستند. آثار اهلیت شرکت‌ها در مسائل مختلف گوناگون است و در کشورهای ایران، مصر و لبنان دارای شباهت بسیاری است. اما اثر اهلیت در دو مسئله وصایت و أخذ به شفعه دارای نمود بیشتری است. در حقوق این کشورها درباره وصایت شرکت‌ها تصریحی وجود ندارد اما در حقوق ایران براساس صلاحیت عام اشخاص حقوقی و عدم منع صریح در اساسنامه، جایز است. در حقوق لبنان و مصر نیز از آنجا که این کشورها تصدی امر بازرسی و نظارت را برای شرکت‌ها مجاز می‌دانند، می‌توان صلاحیت آنان را برای وصایت پذیرفت. مطابق قانون ایران، شرکت‌ها دارای حق شفعه هستند. اما در قانون مصر و لبنان بر اساس اینکه شفعه به اموال منقول هم تسری می‌یابد فقط شرکا می‌توانند دارای حق شفعه شوند اما شرکت‌ها دارای چنین حقی نمی‌شوند.

منابع

۱. ابو الروس، احمد (۲۰۰۸). موسوعه الشركات التجارية، الاذیطة اسکندرية: المكتب الجامعی الحديث.
۲. ابراهیم بک، احمد؛ علاء الدین احمد، واصل (۱۹۹۹). انتقال ما کان یملکه الانسان حال حیاته الی غیره بعد موته، بی جا، المكتبه الازهریه للتراث.
۳. اسکینی، ربیعا (۱۳۷۵). حقوق تجارت، تهران: سمت.
۴. اعظمی زنگنه، عبدالحمید (۱۳۴۶). حقوق بازرگانی، به اهتمام سهراب امینیان، چاپ سوم، بی جا: بی نا.
۵. امامی، سید حسن (۱۳۶۲). حقوق مدنی، جلد ۴، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۶. بوذیاب، سلمان (۲۰۰۳). مبادئ القانون التجارى، طبعه الأولى، بیروت: الموسسة الجامعیة للدراسات و النشر و التوزیع.
۷. بهشتیان، محسن (۱۳۸۵). حقوق تجارت، چاپ سوم، تهران: طرح نوین اندیشه.
۸. پاسبان، محمدرضا (۱۳۸۵). حقوق شرکتهای تجاری، چاپ اول، تهران: سمت.
۹. جرجس، جرجس (۱۹۹۶). معجم المصطلحات الفقهية و القانونية، چاپ اول، بیروت: الشركة العالمیة للكتاب.
۱۰. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۵۰). حقوق مدنی، وصیت، جلد ۲، تهران: ابن سینا.
۱۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (بی تا). دائرةالمعارف حقوق مدنی و تجارت، جلد ۱، تهران، گنج دانش.
۱۲. حسنی، حسن (۱۳۷۸). حقوق تجارت، چاپ اول، تهران: میزان.
۱۳. الحیدری، هیوا ابراهیم (۲۰۱۰). شرکة الشخص الواحد ذات المسئولیت المحدودة دراسة المقارنة، طبعه الأولى، بیروت: منشورات الحلب الحقوقیة.
۱۴. خردمندی، سعید (۱۳۸۲). وکالت در حقوق تجارت و تطبیق آن با فقه، چاپ اول، قم: بوستان کتاب.
۱۵. خلف، شفیق (۱۹۹۲). تحویل الشركات، الطبعه الأولى، بیروت: منشورات الحلبي الحقوقی.
۱۶. راشدی اشرفی، علیرضا (۱۳۷۵). حقوق تجارت کاربردی، چاپ اول، تهران: چاپ و نشر بازرگانی.
۱۷. رضوان، ابو زید (۱۹۹۳). الشركات التجارية فى القانون المصرى المقارن، قاهره: دارالفکر العربی.

۱۸. الزینی، علی (۱۹۶۵ م). اصول القانون التجاریة المصر، بی‌جا: مطبعه التألیف والترجمه.
۱۹. سنهاوری، عبدالرزاق (۱۹۹۸). الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، چاپ دوم، بیروت: منشورات الحلبي الحقوقیه.
۲۰. شایگان، سید علی (۱۳۷۵). حقوق مدنی، به کوشش محمدرضا بندرچی، قزوین: طه.
۲۱. صالح بک، محمد (۱۹۴۹). شركات المسامهه فی القانون المصری و القانون المقارن، چاپ اول، بی‌جا: جامعة فؤاد الأول.
۲۲. صفار، محمد جواد (۱۳۷۳). شخصیت حقوقی، چاپ اول، تهران: دانا.
۲۳. صفايي، حسین، قاسم‌زاده، مرتضی (۱۳۸۵). حقوق مدنی، اشخاص و محجورین، چاپ ۱۲، تهران: سمت.
۲۴. طباطبائی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۷۳). حقوق اداری، تهران: سمت.
۲۵. عصام غصن، علی (۲۰۱۰). الشركات المدنیة القانون اللبناني دراسة المقارنة، طبعة الاولى، بیروت: بی‌نا.
۲۶. عقیف، شمس‌الدین (۱۹۹۷ م). المصنف فی الاجتهاد التجاری، بیروت: بی‌نا.
۲۷. عمید، موسی (۱۳۴۲). هبه و وصیت در حقوق مدنی ایران، بی‌جا: چاپخانه علمی.
۲۸. عیسانی تفرشی، محمد (۱۳۷۸). مباحثی تحلیلی از حقوق شرکتهای تجاری، جلد ۱، چاپ اول، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۲۹. عیسانی تفرشی، محمد (۱۳۸۲). مباحثی تحلیلی از حقوق شرکتهای تجاری، جلد ۲، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۳۰. فاطمی، سید محمد مهدی (۱۳۴۵). حجر در حقوق مدنی ایران و فقه اسلام، چاپ اول، قم: حکمت.
۳۱. عطوی فوزی (۱۹۸۶ م). القانون التجاری، چاپ اول، بیروت: دار العلوم العربیه.
۳۲. کاتبی، حسینقلی (۱۳۷۲). حقوق تجارت، چاپ ۶، تهران: گنج دانش.
۳۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۶). قواعد عمومی قرارداد، جلد ۲، تهران: بهنشر.
۳۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۸). وصیت در حقوق مدنی ایران، چ ۲، تهران: کانون وکلا.
۳۵. محقق داماد، مصطفی (۱۳۶۸). تحلیل فقهی و حقوقی وصیت، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۳۶. المحصانی، صبحی رجب (۱۳۹۱). مبانی شرعی و قانونی حجر، نفقه، ارث و وصیت، ترجمه حمید مسجد سرایبی و مصطفی جباری، سمنان: دانشگاه سمنان

۳۷. محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۴). ایقاع اخذ به شفعه، ج ۱، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۳۸. مکی العاملی، (شهید اول) محمد بن جمال‌الدین (۱۹۹۱). اللمعة الدمشقیة، ج ۱، تهران: بلد.
۳۹. ناصیف، الیاس، (۱۹۹۹). الکامل قانون فی التجارة، چاپ اول، بیروت: مؤیدات للنشر و الطباعة.
۴۰. ناصیف، الیاس، (۲۰۰۳). موسوعة الشركات التجارية، چاپ دوم، بیروت: منشورات الحلبي الحقوقية.
۴۱. ناصیف، الیاس (۲۰۱۰). العقود الدولية العقود الاثمانية فی القانون المقارن، بیروت: منشورات الحلبي الحقوقية.

